

## شعری از بندار رازی در قرّة العین

### علی صفری آق قلعه

نسخه‌شناس و پژوهشگر متون ادبی  
alisafari\_m@yahoo.com

قرّة العین در شمار متون کهن فارسی است که نه از نام نویسنده‌اش به درستی آگاهیم و نه دوره نگارش آن را می‌دانیم. همین اندازه از مندرجات متن می‌توان پی برد که نویسنده در محدوده حکومتی غزنویان می‌زیسته است چرا که از میان پادشاهان ایران، صرفاً از پادشاهان این سلسله با عناوینی ستایش آمیز یاد می‌کند. برای نمونه در جایی (ص ۱۲۳) از سلطان ابراهیم بن مسعود بن محمود غزنوی (۴۵۱-۴۹۲ق) بعنوان شخصی درگذشته چنین یاد می‌کند:

در عهد سلطان کریم ابراهیم چون مشطب را به رسالت  
غزنین فرستاد[ند] آن روز که به غزنین آمد ...

همچنین آگاهی‌هایی از شهر غزنه یاد می‌کند که معمولاً ساکنان آن شهر می‌توانستند از آنها آگاه باشند چنان که در جایی از متن (ص ۸۰) به یک شاعر غزنه به نام ناصر مسعود شمس اشاره دارد که گویا همان ناصر مسعود شمس باشد که مسعود سعد در یکی از قصایدش (ص ۴۳۸ - ۴۳۹ چاپ مهیار) او را ستوده است:

ناصر مسعود شمس یکی بودست از شعرای غزنی؛ وقتی  
از اوقات در زمستان سرد به واقعه مستی برهنه از  
خرابات به در افتاد ...

بنابراین اگر بپذیریم که نویسنده در شهر غزنه می‌زیسته و

۱. از پادشاهان بزرگ ایران - جز غزنویان - عمدتاً از آل بویه و آن هم بصورت حکایاتی از گذشته‌های دور یاد کرده است. مصحح در مقدمه (ص سه) اشاره کرده که در متن از «سیف‌الدوله محمود» یاد شده ولی در نمایه‌های کتاب چنین نامی دیده نمی‌شود.

احتمالاً با دربار غزنه ارتباط داشته، می‌توان تا حدودی به دوره زندگی او پی برد. نخستین قرینه آنکه اشاره نویسنده نشان می‌دهد که پس از سلطان ابراهیم غزنوی (۴۵۱-۴۹۲ق) می‌زیسته و ستایش او از آن پادشاه بیانگر آن است که هنوز بازماندگان آن پادشاه بر سر کار بودند. بنابراین، دوره نگارش اثر باید مدتی پس از درگذشت ابراهیم به سال ۴۹۲ق و مدتی پیش از سقوط غزنویان بر دست غوریان در سال ۵۸۲ق باشد و از این روی می‌توان آن را از آثار نیمه دوم سده ششم و هم‌دوره با آثاری چون چهارمقاله نظامی عروضی سمرقندی و تاریخ بیهق ابن فندق دانست.

این متن يك بار توسط امین پاشا اجلالی منتشر شده است (تبریز، انتشارات انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی، ۱۳۵۴ش) که چاپی مناسب با روزگار خود است اما دستنویسی از اثر موجود است (نسخه ۴۰۶۴ فاتح، مورخ ۷۲۲ق) که از همه نسخه‌های مورد استفاده مصحح کهن تر است و ضبط‌هایی در آن هست که چاپ دیگری از متن را توجیه کرده و ضروری جلوه می‌دهد. در میان ضبط‌های مندرج در متن چاپی (ص ۴۴) بیتی هست که فقط مصراع دوم آن بی اشاره به نام سراینده در متن درج شده است. همان شعر در نسخه فاتح (ص ۱۵) چنین ضبط شده است:

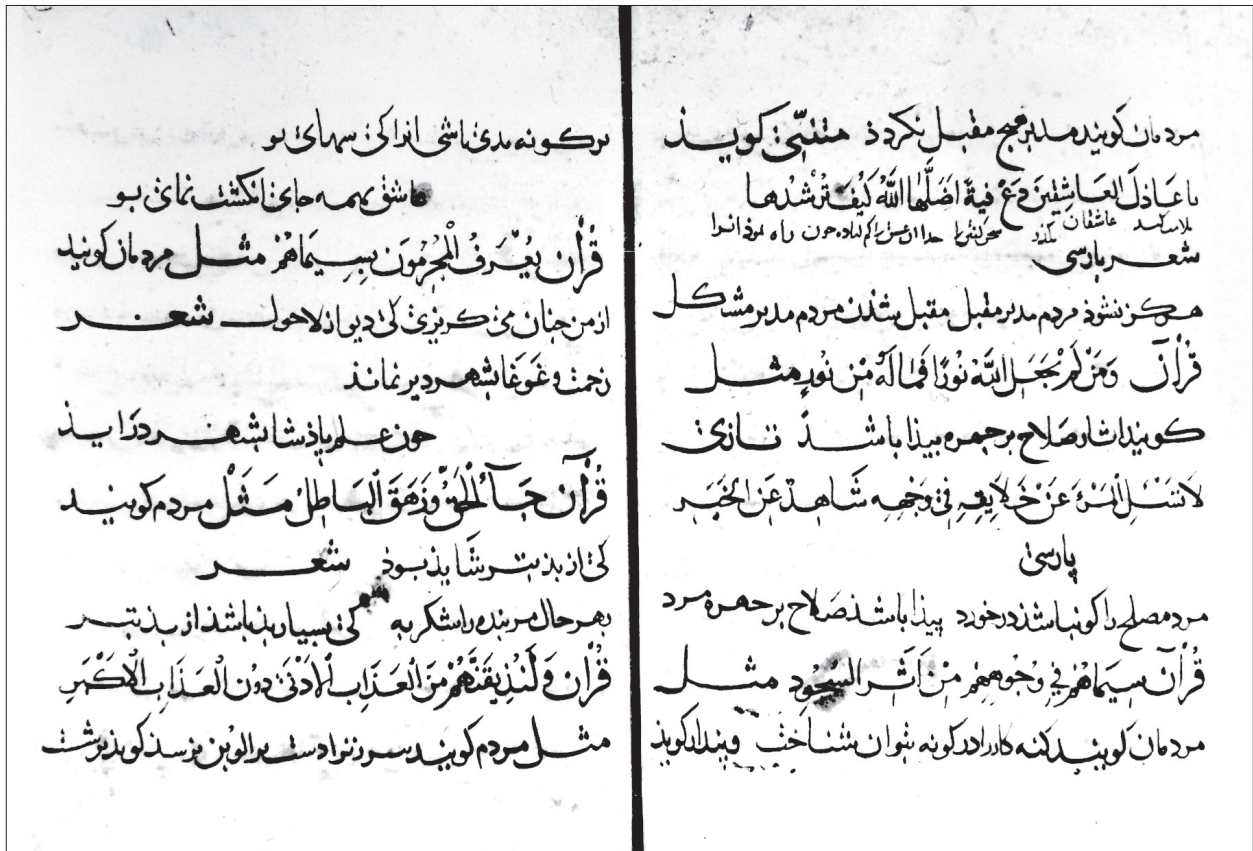
بر گونه پدی باشی آن را کی سهای بو  
عاشق به همه جایی انگشت‌نمای بو

نام سراینده نیز در نسخه بصورت «پندار» (به پ) ضبط شده که باید تحریف یا ضبطی دیگر از نام بندار (رازی) باشد. با توجه بدین موارد می‌توان دریافت که شعر به لهجه رازی است و لذا در تصحیح آن باید آشنایان با آن لهجه نظر دهند. مضمون مصراع دوم را می‌توان فهمید اما مصراع نخست، گویا چنین معنایی دارد: «بر گونه / چهره پدید باشد آن را که سهای! هست». در اینجا ضبط دقیق و معنای واژه «سهای» به درستی دانسته نیست اما مشابهت مضمونی این بیت، درست پیش از آن در متن چاپی (ص ۴۳) بدینگونه ضبط شده است:

مثل به پارسی گویند: اثر صلاح در چهره پیدا بود.  
شعر: لا تسئل المرء عن خلائقه | فی وجهه شاهد عن

۲. از دوستم پژمان فیروزی بخش سپاسگزارم که شعر را برایم تحلیل کرد.





شعر بندار در مجموعه ۴۰۶۴ فاتح، مورخ ۷۲۲ق

فر کونه بدی باشه آنرا که سها بود  
عاشق بهمه جائی انگشت نما بود

واژه «سها» (/سهای) در این متن نیز همچنان نامفهوم است و قافیه نیز دستکاری شده اما گمان می رود که «فر» در کشف الاسرار درست تر از «بر» در قرّة العین باشد. چون نویسنده این سطور از لهجه رازی آگاهی چندانی ندارد بیش از این درباره درستی بیت نظر نمی دهد.

الخیر. بیت: از مرد پیرس هیچ اسرارش | بر چهرش پیدا بود از کردارش. و به پارسی گویند: گناهکار را به گونه بتوان دانست.

شاید بتوان گفت که واژه «سهای» در برابر واژه «خیر» در شعر عربی به کار رفته و بنابراین دارای معنای «نیکی» یا «صلاح» می تواند بود.

شعر پیش گفته درست در پایان جلد نهم کشف الاسرار میبیدی (ص ۵۰۸) بی اشاره به نام سراینده بدین گونه ضبط شده است:

